

ویژگی‌های خاص دانش آموزان

راهنمای کار معلمان و برنامه‌ریزان درسی



ویژگی‌های
دانش آموزان
ابتدایی و متوسطه،
برنامه‌ریزی درسی
ابتدایی، برنامه‌ریزی
درسی متوسطه.



اشاره

برنامه درسی، مجموعه قواعد و ضوابطی است که به مجموعه عوامل و عناصر مرتبط با یادگیری، منطق و سازمان می‌دهد. همه دوره‌های تحصیلی که در برنامه‌های زمان‌بندی متجلی می‌شوند، اهمیت خاصی دارند و برای رسیدن به اهداف خاصی تدوین و طراحی شده‌اند. فرایند یادگیری در هر دوره تحصیلی با عوامل گوناگون ارتباط دارد. نقش معلم، ارتباط متقابل دانش آموزان، وسایل کمک آموزشی، فضای یادگیری، مهارت و توانایی‌های یادگیرنده و محتوای برنامه درسی، از جمله عواملی هستند که هر کدام به گونه‌ای خاص در یادگیری مؤثرند. یادگیرنده محور فرایند یادگیری و آموزش تلقی می‌شود و به همین دلیل، برنامه‌ریزان قبل از هر چیز باید آگاهی و اطلاعات لازم را درباره یادگیرندگان به دست آورند و با ابعاد متفاوت رشد شخصیت آن‌ها آشنا شوند. کسب اطلاعات در مورد خصوصیات و ویژگی‌های عمومی و اختصاصی یادگیرنده، از جمله اقداماتی است که برنامه‌ریز باید صورت دهد.



علی پورعلیرضا توکله
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

ویژگی‌های عمده و بارز دانش آموزان دوره ابتدایی

با شروع سال هفتم زندگی، کودک در آستانه تحول روانی قابل ملاحظه‌ای قرار می‌گیرد که ویژگی‌های آن را می‌توان به این صورت خلاصه کرد:

۱. رشد جسمی کودک (به خصوص از نظر تکامل عصبی) به حدی می‌رسد که می‌تواند به تحریکات خارجی، پاسخ‌های کاملاً اختصاصی بدهد.
۲. در کاربرد مهارت‌های حسی - حرکتی خود توانایی کافی را کسب می‌کند.
۳. با یاد گرفتن زبان مشترک، مقدمات شرکت او در بازی‌های گروهی و پیوستن به زندگی جمعی فراهم شده است.
۴. در پی خروج از چارچوب محدود خانواده و تماس با کودکان هم سن و سال، از نسبی بودن نقطه‌نظرهای خود آگاه می‌شود و به وجود نقطه‌نظرهای متفاوت دیگران پی می‌برد.
۵. خودمداری در او تعدیل می‌شود. او که تا به حال همه چیز را برای خود می‌پنداشت، اینک به وجود دیگران و هم‌سالان خود پی می‌برد و به رعایت

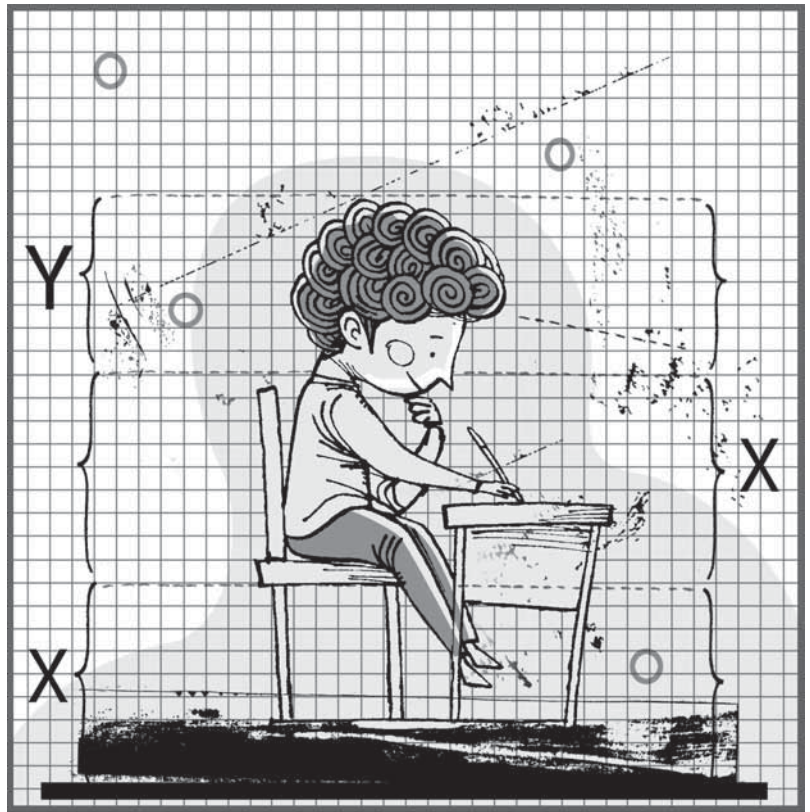
حقوق آن‌ها گردن می‌نهد.

۶. پیوندهای عاطفی افراطی کودک بی‌آنکه سست شود، معقول‌تر می‌شود، تا آنجا که می‌تواند از محبوب‌ترین افراد خانواده‌اش به طور موقت فاصله بگیرد، بدون آن‌که از این موضوع مضطرب و ناراحت شود.
۷. کنجکاوی که تقریباً بی‌هدف است، اینک به صورت جست‌وجویی جهت‌دار و هدفمند در می‌آید.
۸. هر چند بازی هنوز فعالیت اساسی کودک به شمار می‌رود، ولی ویژگی‌های کار در قسمتی از فعالیت‌هایش نمودار می‌شود.
۹. پیشرفت‌های کودک در ابعاد گوناگون در مجموع باعث می‌شود که کودک به اصول طرز تفکر بزرگسالان پی ببرد و به ضرورت‌های فکر منطقی گردن بنهد.
۱۰. ضمن تماس با هم‌سالان و تحت مراقبت مربیان خویش، با مزایای زندگی گروهی آشنا می‌شود و به محدودیت‌هایی که لازمه شرکت و بهره‌مندی از آن است، پی می‌برد.

**برنامه‌ریزی دوره
ابتدایی باید با توجه
به آمادگی جسمی و
روانی کودکان
پایه‌ریزی شود**

و اصلاح زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان سروکار داشته باشد، نه آن‌که صرفاً موضوعات درسی و یا علم و دانش را در نظر بگیرد. برنامه‌ریزی دوره ابتدایی باید با توجه به آمادگی جسمی و روانی کودکان پایه‌ریزی شود، زیرا آن‌ها در این سنین از آمادگی بالقوه‌ای برای یادگیری و آموزش برخوردارند. خلاصه این‌که برنامه‌های درسی در این دوره باید با توجه به این اصول تهیه و اجرا شود:

۱. با هدف‌های آموزش و پرورش این دوره هماهنگ باشد.
۲. با مراحل رشد کودکان



برنامه‌ریزی درسی در دوره ابتدایی

کودک بعد از ورود به دبستان، به تدریج به یک دوره ثبات و آرامش نسبی، و عقل و علم و تمایل به زندگی اجتماعی می‌رسد. و با توجه به این شرایط است که در تمامی کشورهای جهان، آموزش و پرورش رسمی در این دوره آغاز می‌شود. بنابراین، برنامه‌ریزی درسی در دوره ابتدایی، باید بر اساس مقتضیات سنی این دوره انجام پذیرد و رشد همه جانبه کودکان در آن لحاظ شود. برنامه‌ریزی درسی در دوره ابتدایی در برگیرنده تمام تجربیات آموزشی است که مدرسه عهده‌دار آن است. به همین دلیل، برنامه درسی باید با تجربه‌های کودکان ارتباط تنگاتنگ داشته و فراتر از محتوای آموزشی باشد، زیرا فقط محتوای آموزشی نیست که برنامه درسی را می‌سازد. برنامه درسی در آموزش ابتدایی باید امر مهم هدایت و راهنمایی زندگی دانش‌آموزان را برعهده داشته باشد و محیطی ویژه برای یادگیری را به منظور هدایت علاقه‌ها و توانایی‌های آن‌ها در جهت مشارکت اثربخش در زندگی اجتماعی ایجاد کند. هم‌چنین، برنامه‌ریزی درسی باید با موضوع بهبود

در این دوره هماهنگ باشد.

۳. با مدت تحصیل دانش‌آموزان تناسب داشته باشد.
۴. به قدر کافی انعطاف‌پذیر باشد، تا مانع معلم در انتخاب روش و رعایت ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان نشود.
۵. با پیشرفت علوم و فنون هماهنگی داشته باشد.
۶. با امکانات اجرایی قابل حصول، هماهنگی داشته باشد.
۷. به گونه‌ای تنظیم شود که علاقه‌های کودکان را به یادگیری جلب کند.
۸. با روش‌های آموزشی متناسب این دوره، هماهنگ باشد.
۹. با زندگی کودک و جامعه متناسب باشد.
۱۰. شرایط، مقتضیات محلی و منطقه‌ای را لحاظ کند.
۱۱. ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی و میراث فرهنگی را رعایت کند.
۱۲. بین محتوای درسی هر پایه و نیز بین محتوای هر درس در پایه‌های گوناگون، ارتباط منطقی برقرار کند.

منابع.....

۱. شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۸). **تعلیم و تربیت و مراحل آن**. چاپ شانزدهم. آستان قدس. مشهد.
۲. عسکریان، مصطفی (۱۳۶۶). **سازمان و مدیریت آموزش و پرورش**. چاپ سوم. امیرکبیر. تهران.
۳. عسکریان، مصطفی (۱۳۶۸). **جامعه‌شناسی آموزش و پرورش**. طوس. تهران.
۴. موسی‌پور، نعمت‌اله (۱۳۸۲). **مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه**. مشهد: آستان قدس. مشهد.